

القول: في الإحرام

١- احرام

والنظر في: مقدماته، وكيفيته، وأحكامه.

شامل مقدمات، کیفیت (چگونگی) و احكام احرام است.

والمقدمات كلها مستحبة، وهي:

مقدمات

همگی مقدمات احرام مستحب و عبارت‌اند از:

توفير شعر رأسه من أول ذي القعدة إذا أراد التمتع، ويتأكد عند هلال ذي الحجة، وأن ينظف جسده، ويقص أظفاره، ويأخذ من شاربته، ويزيل الشعر عن جسده وإبطيه مطلياً، ولو كان قد أطلّى أجزاء ما لم يمض خمسة عشر يوماً.

اگر قصد رفتن به حج تمتع را دارد از ابتدای ذی‌قعدة موی سر خود را بلند نگه دارد و (اگر از ابتدای ذی‌قعدة این کار را نکرد) تأکید شده است که از ابتدای ذی‌حجه این کار را انجام دهد. اینکه بدن خود را پاکیزه نماید، ناخن‌ها و سیبش را کوتاه کند و موهای زاید بدن و زیر بغل را با مواد مخصوص از بین ببرد. چنانچه موهای زاید بدن را قبلاً با مواد مخصوص زدوده بوده و هنوز پانزده روز از آن زمان نگذشته باشد، نیازی به انجام دوباره این کار نیست.

والغسل للإحرام، وإن لم يجد ماء يتيمم له. ولو اغتسل وأكل أو لبس ما لا يجوز للمحرم أكله ولا لبسه أعاد الغسل استحباباً. ويجوز له تقديمه على الميقات إذا خاف عوز الماء فيه، ولو وجدته استحباب له الإعادة. ويجزي الغسل في أول النهار ليومه، وفي أول الليل لليلته ما لم ينم. ولو أحرم بغير غسل أو صلاة ثم ذكر تدارك ما تركه وأعاد الإحرام.

(مستحب است) برای احرام غسل و اگر آب نیافت تیمم نماید. اگر غسل نمود و سپس چیزی خورد یا پوشید که خوردن یا پوشیدنش برای مُحرم جایز نیست، مستحب است دوباره غسل نماید. اگر بترسد که (در محل میقات) آب پیدا نکند می‌تواند پیش از رسیدن به میقات غسل کند و اگر در میقات آب پیدا کرد مستحب است دوباره غسل کند. غسلی که ابتدای روز انجام می‌شود برای آن روز و غسلی که ابتدای شب انجام می‌شود اگر نخواست برای آن شب کفایت می‌کند. اگر بدون غسل کردن یا بدون نماز خواندن احرام ببندد و بعد یادش بیاید (مستحب است) غسل کند یا نمازی را که فراموش کرده به‌جا آورده، دوباره احرام ببندد.

وَأَنْ يَحْرِمَ عَقِيبَ فَرِيضَةِ الظَّهْرِ أَوْ فَرِيضَةَ غَيْرِهَا، وَإِنْ لَمْ يَتَّفِقْ صَلَّى لِلْإِحْرَامِ سِتَّ رَكَعَاتٍ وَأَقْلَهُ رَكَعَتَانِ، يَقْرَأُ فِي الْأُولَى: (الْحَمْدُ) وَ (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ)، وَفِي الثَّانِيَةِ: (الْحَمْدُ) وَ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ). وَيُوقَعُ نَافِلَةٌ الْإِحْرَامِ تَبَعاً لَهُ - وَلَوْ كَانَ وَقْتُ فَرِيضَةٍ - مُقَدِّمًا لِلْنَافِلَةِ مَا لَمْ تَتَضَيَّقِ الْحَاضِرَةَ.

همچنین مستحب است بعد از نماز واجب ظهر و یا نماز واجب دیگر احرام ببندد و اگر زمان نماز واجب نرسیده بود برای احرام بستن شش رکعت و یا حداقل دو رکعت نماز به جا آورد که در رکعت اول آن سوره حمد و کافرون و در رکعت دوم حمد و توحید را می خواند. بعد از احرام بستن دو رکعت نماز مستحبی مربوط به احرام را به جا آورد و حتی اگر وقت نماز واجب بود و وقتش تنگ نبود، ابتدا این نافله را به جا آورد.

وَأَمَّا كَيْفِيَّتُهُ:

چگونگی احرام

فِيَشْتَمِلُ عَلَى وَاجِبٍ وَمَنْدُوبٍ، فَالْوَاجِبَاتُ ثَلَاثَةٌ:

شامل اعمال واجب و مستحب است.

واجبات احرام

سه مورد است.

الأول: النية، وهو أن يقصد بقلبه إلى أمور أربعة: ما يحرم به من حج أو عمرة متقرباً، ونوعه من تمتع أو قران أو أفراد، وصفته من وجوب أو ندب، وما يحرم له من حجة الإسلام أو غيرها. ولو نوى نوعاً ونطق بغيره عمل على نيته، ولو أخل بالنية عمداً أو سهواً لم يصح إحرامه. ولو أحرم بالحج والعمرة وكان في أشهر الحج أو غيرها بطل ولزمه تجديد النية والإحرام. ولو قال: كإحرام فلان وكان عالماً بماذا أحرم صح، وإذا كان جاهلاً بطل إحرامه.

اول: نیت

نیت یعنی چهار مورد را از قلب خود بگذرانند: اینکه احرامش برای حج یا عمره با قصد قربت باشد، نوع حج را مشخص کند که تمتع است یا قران یا افراد، اینکه واجب است یا مستحب و در نهایت اینکه برای حجة الاسلام احرام می بندد یا حجی دیگر.

چنانچه نوع خاصی از حج را نیت کند اما حج دیگری غیر از آنچه در نیت داشته است به زبان آورد، بر اساس نیتش عمل کند و چنانچه عمداً یا سهواً در نیتش خللی وارد نماید احرامش صحیح نیست. چنانچه برای حج و عمره با یک نیت احرام ببندد - چه در ماههای حج باشد و یا در غیر ماههای حج - احرامش باطل است و باید از نو نیت کند

و احرام ببندد. اگر (در نیتش) بگوید: «مانند احرام فلانی» و می‌دانست آن شخص برای چه نوع حجی احرام بسته، احرامش صحیح است، ولی اگر نمی‌دانست احرام آن شخص برای چه نوع حجی بوده، احرامش باطل است.

الثاني: التلبیات الأربع، فلا ینعقد الإحرام لمتعم ولا لمفرد إلا بها، أو الإشارة للأخرس مع عقد قلبه بها. والقارن بالخيار إن شاء عقد إحرامه بها، وإن شاء قلد أو اشعر، وبأيهما بدأ كان الآخر مستحباً.

دوم: لبیک‌های چهارگانه

اگر برای حج تمتع یا افراد این لبیک‌ها گفته نشود احرام منعقد نمی‌شود.⁽¹⁾ فرد لال باید با اشاره، لبیک‌ها را از قلبش بگذراند. کسی که می‌خواهد برای حج قران محرم شود (قارن) می‌تواند برای محرم شدن لبیک‌های چهارگانه را بگوید یا تقلید یا اشعار⁽²⁾ را انجام دهد و هرکدام از این دو کار را که انجام دهد، انجام دیگری مستحب می‌شود.

وصورتها أن یقول: (لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لك لبیک، إن الحمد والنعمه لك والملك لك، لا شریک لك). ولو عقد نية الإحرام ولبس ثوبیه ثم لم یلب، وفعل ما لا یحل للمحرم فعله لم یلزمه بذلك كفارة إذا كان متمتعاً أو مفرداً، وكذا لو كان قارناً ولم یشعر ولم یقلد.

روش گفتن لبیک‌ها به این ترتیب است که بگوید:

(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكَ لَكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ).

اگر نیت احرام کند و (دو تکه) لباسش را بپوشد ولی لبیک نگفته باشد و یکی از محرمات احرام را انجام دهد، چنانچه قصد حج تمتع یا افراد دارد و یا اگر قصد حج قران دارد اما هنوز اشعار یا تقلید انجام نداده است، کفاره‌ای بر ذمه‌اش نخواهد بود.⁽³⁾

الثالث: لبس ثوبي الإحرام، وهما واجبان، ولا يجوز الإحرام فيما لا يجوز لبسه في الصلاة. ويجوز الإحرام في الحرير للنساء، ويجوز أن يلبس المحرم أكثر من ثوبين، وأن يبدل ثياب إحرامه، فإذا أراد الطواف فالأفضل أن يطوف فيهما. وإذا لم يكن مع الإنسان ثوبا الإحرام، وكان معه قباء جاز لبسه مقلوباً بأن يجعل ذيله على كتفيه.

سوم: پوشیدن دو (تکه) لباس احرام؛ که پوشیدن این دو لباس واجب است. لباس‌هایی که پوشیدنش برای نماز جایز نیست برای احرام نیز جایز نیست. محرم شدن با پارچه حریر برای بانوان جایز است. پوشیدن بیش از دو (تکه) لباس یا عوض کردن لباس احرام برای محرم جایز است. وقتی خواست طواف کند بهتر است با همان دو لباسی که

1- احرام منعقد نمی‌شود، یعنی از ابتدا احرامی وجود نداشته است. (مترجم)

2- تقلید: کفش‌هایی را که با آن‌ها نماز خوانده، به گردن قربانی بیاویزد و این کار برای شتر، گاو و گوسفند است؛ و اشعار یعنی اینکه کوهان شتر را از سمت راست بشکافد و صورت شتر را به خونش آغشته نماید و اشعار فقط برای شتر است. (مترجم)

3- زیرا چنین شخصی هنوز محرم به حساب نمی‌آید. (مترجم)

ابتدا احرام بسته بود طوافش را انجام دهد. چنانچه دو لباس احرام همراهش نبود و قبا به همراه داشت جایز است آن را برعکس کرده (به این صورت که پایین قبا را روی دو کتفش قرار دهد) به عنوان لباس احرام استفاده نماید.

و أما أحكامه، فمسائل:

احکام احرام:

پنج مسئله:

الأولى: لا يجوز لمن احرم أن ينشأ إحراماً آخر حتى يكمل أفعال ما أحرم له، فلو أحرم متمتعاً ودخل مكة وأحرم بالحج قبل التقصير ناسياً لم يكن عليه شيء، وإن فعل ذلك عامداً بطلت عمرته فصارت حجة مبتولة.

اول: کسی که احرام بسته جایز نیست احرام جدیدی ببندد تا اینکه اعمال احرام اول را به پایان برساند؛ پس اگر برای حج تمتع احرام بست و وارد مکه شد و پیش از اینکه تقصیر انجام دهد، از روی فراموشی برای حج احرام ببندد، چیزی بر عهده اش نیست، اما اگر این کار را از روی عمد انجام دهد عمره اش باطل است و حج او از عمره منقطع می‌گردد.

الثانية: لو نوى الأفراد ثم دخل مكة جاز أن يطوف ويسعى ويقصر ويجعلها عمرة يتمتع بها.

دوم: اگر نیت حج افراد کند سپس وارد مکه شود، جایز است طواف کند و سعی انجام داده، تقصیر نماید و این اعمال را به عنوان عمره تمتع قرار دهد.

الثالثة: إذا أحرم الولي بالصبي جرده من فخ، وفعل به ما يجب على المحرم وجنبه ما يجتنبه. ولو فعل الصبي ما يجب به الكفارة لزم ذلك الولي في ماله، وكل ما يعجز عنه الصبي يتولاه الولي من تلبية وطواف وسعي وغير ذلك. ويجب على الولي الهدي من ماله أيضاً. وإذا كان الصبي مميزاً جاز أمره بالصيام عن الهدي، ولو لم يقدر على الصيام صام الولي عنه مع العجز عن الهدي.

سوم: وقتی ولی برای کودک احرام می‌بندد باید در سرزمین فخ، لباس‌های دوخته شده و زیورآلات او را از تنش بیرون بیاورد و آنچه بر مُحرم واجب است (به کودک القا کند تا کودک انجام دهد) و او را از آنچه مُحرم باید دوری کند دور نماید. چنانچه کودک، عملی که به واسطه آن کفاره واجب می‌شود انجام دهد، کفاره اش بر ولی واجب است و باید از مال خودش پرداخت کند و هر عملی را که کودک از انجام آن ناتوان باشد (مثلاً لبیک گفتن، طواف، سعی و...) باید ولی به جای او انجام دهد. همچنین بر ولی واجب است قربانی را از مال خودش تهیه نماید. اگر کودک

مميّز بود جایز است به او امر کند به جای قربانی روزه بگیرد و اگر کودک توانایی روزه گرفتن را نداشت و ولی هم نمی‌توانست قربانی تهیه کند به جای کودک روزه بگیرد.

الرابعة: إذا اشترط في إحرامه أن يحله حيث حبسه ثم أحصر تحلل، ولا يسقط الهدى. وفائدة الاشتراط جواز التحلل عند الاحصار.

چهارم: اگر هنگام احرام بستن شرط کند که در صورت به وجود آمدن مانعی برای ادامه اعمال حج، از احرام خارج شود سپس این اتفاق رخ دهد، از احرام خارج می‌گردد، البته قربانی از عهده‌اش ساقط نمی‌شود. فایده این شرط این است که در صورت به وجود آمدن مانع (غیرقابل اجتناب) خروج از احرام جایز می‌شود.

الخامسة: إذا تحلل المحصور لا يسقط الحج عنه في القابل إن كان واجباً، ويسقط إن كان ندباً.

پنجم: هنگامی که مانعی برای ادامه اعمال حج پیش آمد و فرد از احرام خارج شد، اگر حش واجب بوده است باید در سال‌های آینده دوباره حج به جا آورد و چنانچه حج مستحبی بوده از عهده‌اش ساقط می‌شود.

والمندوبات: رفع الصوت بالتلبية للرجال، وتكرارها عند نومه واستيقاظه، وعند علو الأكام ونزول الأهضام، فإن كان حاجاً فالى يوم عرفة عند الزوال، وإن كان معتمراً بمتعة فإذا شاهد بيوت مكة، وإن كان بعمره مفردة كان مخيراً في قطع التلبية عند دخول الحرم، أو مشاهد الكعبة.

مستحبات احرام: مردها برای گفتن لبیک‌ها صدای خود را بالا ببرند. (مستحب است) لبیک‌ها را هنگام خواب و بیدار شدنش و یا قرار گرفتن بر فراز بلندی و در سرزمین‌های پست تکرار نماید. اگر برای حج احرام بسته است تا ظهر شرعی⁽⁴⁾ روز عرفه و اگر برای عمره تمتع احرام بسته، وقتی خانه‌های مکه را دید لبیک گفتن را قطع کند و چنانچه برای عمره مفرده احرام بسته، می‌تواند هنگام وارد شدن به حرم یا هنگام مشاهده خانه کعبه لبیک گفتن را قطع نماید.

ويرفع صوته بالتلبية إذا حج على طريق المدينة إذا علت راحلته البيداء، فإن كان راجلاً فحيث يحرم. ويستحب التلطف بما يعزم عليه والاشتراط أن يحله حيث حبسه، وإن لم يكن حجة فعمره، وأن يحرم في الثياب القطن وأفضله البيض. وإذا أحرم بالحج من مكة رفع صوته بالتلبية إذا أشرف على الأبطح، وأن يرفع صوته بالشهادات الأربع، لله بالوحدانية، وللرسول بالرسالة، ولعلي والأئمة بالولاية، وللمهدي والمهديين بالهداية.

(مستحب است) اگر از راه مدینه به حج می‌رود هنگامی که مرکبش در میانه صحرا قرار گرفت با صدای بلند لبیک بگوید و اگر پیاده بود از محل احرامش این کار را انجام دهد. مستحب است نیتش را بر زبان آورد؛ همچنین

4- ظهر شرعی، وقت اذان است. (مترجم)

مستحب است شرط کند در صورت رخ دادن مانع از ادامه اعمال حج، از احرام خارج شود و مستحب است شرط کند اگر از حج منع شد عمره به جا آورد. (مستحب است) لباس احرامش از جنس پنبه و بهتر است رنگش سفید باشد. (مستحب است) اگر از مکه مُحرم شد هنگامی که به ابطح رسید با صدای بلند لبیک بگوید. مستحب است شهادت‌های چهارگانه را با صدای بلند ادا نماید: شهادت به یگانگی خداوند، رسالت پیامبر (ص)، ولایت علی و ائمه (ع) و هدایت مهدی و مهدیین (ع).

ويلحق بذلك ترك الإحرام:

کارهایی که در حالت احرام ترک می‌شوند:

وهي محرّمات ومكروهات، فالمحرّمات هي:

محرّمات و مكروهات، که محرّمات، بیست و یک مورد است:

الأول: صيد البر اصطياداً أو أكلاً ولو صاده محل، وإشارة ودلالة، وإغلاقاً وذبحاً. ولو ذبحه كان ميتة حراماً على المحل والمحرّم، وكذا يحرم فرخه وبيضه. والجراد في معنى الصيد البري. ولا يحرم صيد البحر وهو ما يبيض ويفرخ في المياه.

اول: شکار جانداران خشکی - چه به قصد شکار و چه برای خوردن - حتی اگر شخصی که در احرام نیست آن را شکار کرده باشد و اشاره و راهنمایی به صیاد و بستن و ذبح حیوان شکار شده. اگر حیوان را ذبح کند مُردار محسوب می‌شود که (خوردن آن) برای مُحلّ و مُحرم حرام است؛ جوجه و تخم آن حیوان نیز حرام خواهد بود. ملخ نیز در زمره جانداران خشکی است؛ اما شکار و صید حیوانات آبی (که در آب تخم‌گذاری می‌کنند یا بچه می‌زایند) حرام نیست.

الثاني: والنساء وطياً ولمساً بشهوة، وعقداً لنفسه ولغيره، وشهادة على العقد وإقامة ولو تحملها محلاً، ولا بأس به بعد الإحلال، وتقبيلاً ونظراً بشهوة، وكذا الاستمنااء.

دوم: ارتباط با زنان، چه به صورت نزدیکی و لمس با شهوت باشد و چه عقد کردن برای خود یا دیگری و چه شهادت بر عقد و اجرای عقد. اگر این کار را مُحلّ (کسی که محرم نیست) انجام دهد (یعنی مُحلّ، محرم را به عقد کسی یا کسی را به عقد او در بیاورد)، بعد از خروج از احرام اشکالی نخواهد داشت. بوسیدن و نگاه کردن با شهوت و همچنین استمناء⁵ حرام است.

5- اینکه کسی با خود کاری کند که منی از او خارج شود. (مترجم)

دو نکته:

أولاً: إذا اختلف الزوجان في العقد فادعى أحدهما وقوعه في الإحرام وأنكر الآخر فالقول قول من يدعي الإحلال، لكن إن كان المنكر المرأة كان لها نصف المهر، لاعترافه بما يمنع من الوطئ.

نکته اول: اگر زوجین در عقد با یکدیگر اختلاف کنند و یکی از آن دو مدعی شود که عقد در حال احرام واقع شده و دیگری انکار نماید، حرف کسی پذیرفته است که ادعای وقوع عقد در خارج از احرام را دارد. اگر زن منکر بوده باشد فقط نصف مهریه حق اوست، زیرا مرد به چیزی اعتراف کرده که مانع دخول (نزدیکی) است.

ثانياً: إذا وكل في حال إحرامه فأوقع، فإن كان قبل إحلال الموكل بطل، وإن كان بعده صح. ويجوز مراجعة المطلقة الرجعية، وشراء الإمام في حال الإحرام.

نکته دوم: اگر کسی در حال احرام، وکیل بگیرد و ایقاع (طلاق را جاری) نماید، اگر قبل از اینکه موکل (وکیل گیرنده) از احرام خارج شود طلاق جاری گردد عقد باطل است و اگر بعد از خروج از احرام بوده باشد صحیح است. رجوع به همسر مطلقه رجعی و نیز خریدن کنیز در حال احرام جایز است.

الثالث: والطيب على العموم ما خلا خلوق الكعبة (وهو ما عطر به البيت أو كسوته أو ما حمله هو ليعطر به البيت) ولو في الطعام. ولو اضطر إلى أكل ما فيه طيب، أو لمس الطيب قبض على أنفه.

سوم: [استعمال و استنشاق] بوی خوش به طور کلی - حتی اگر در غذا باشد - به جز خوشبوکننده کعبه (چیزی که خانه خدا و یا پوشش هایش را با آن عطرآگین می کنند و یا چیزی که خود حاجی برای خوشبوکردن خانه کعبه به همراه دارد). اگر مجبور شود چیزی را که در آن بوی خوش به کار رفته است بخورد یا چیز دارای بوی خوش را لمس کند باید بینی اش را بگیرد.

الرابع: ولبس المخيط للرجال، ويجوز للنساء لبس المخيط اضطراراً واختياراً. ويجوز لبس السراويل للرجل إذا لم يجد إزاراً، وكذا لبس طيلسان له أزرار، لكن لا يزره على نفسه.

چهارم: پوشیدن لباس دوخته شده برای مردان؛ ولی برای زنان چه در حال اضطرار و چه در حال اختیار جایز است.

برای مرد پوشیدن شلوار جایز است البته اگر ازار (دامان لباس احرام) نیابد؛ همچنین پوشیدن طیلسانی (نوعی بالاپوش ضخیم و بدون آستین) که دکمه هم دارد جایز است، البته نباید دکمه هایش را ببندد.

الخامس: والاکتحال بالسواد وبما فيه طيب، ويستوي في ذلك الرجل والمرأة.

پنجم: سُرمه کشیدن با سیاهی و با چیزهایی که بوی خوش در آن بکار رفته است؛ و زن و مرد در این حکم مساوی اند.

السادس: وكذا النظر في المرأة، ويجوز إذا لم يكن للزينة.

ششم: نگاه کردن در آینه؛ اما اگر برای تزیین و آرایش نباشد جایز است.

السابع: والفسوق وهو الكذب.

هفتم: فسوق؛ یعنی همان دروغ.

الثامن: والجدال: وهو قول: لا والله، وبلى والله.

هشتم: جدال؛ یعنی گفتن: «نه به خدا» (لا والله) و «آری به خدا» (بلى والله).

التاسع: وقتل هوام الجسد حتى القمل، ويجوز نقله من مكان إلى آخر من جسده، ويجوز إلقاء القراد والحلم.

نهم: کشتن حشرات موذی حتی شپش؛ اما می تواند آن را از بدنش به مکان دیگری منتقل کند و می تواند گنه (کوچک و بزرگ) را از روی خود پایین بیندازد.

العاشر: ويحرم لبس الخاتم للزينة ويجوز للسنة، ولبس المرأة الحلي للزينة، ولا بأس بما كان معتاداً لها، لكن يحرم عليها إظهاره حتى لزوجها.

دهم: انگشتر به انگشت کردن به نیت زینت حرام است ولی برای سنت (استحباب) جایز است؛ همچنین اینکه زن زینت آلات را به نیت زیبایی بپوشد (جایز نیست)، ولی به اندازه معمول برایش اشکالی ندارد، اما نشان دادن آن به دیگران - حتی به شوهرش - بر او حرام است.

الحادي عشر: واستعمال دهن فيه طيب محرم بعد الإحرام، وقبله إذا كان ريحه يبقى إلى الإحرام. وكذا ما ليس بطيب - اختياراً - بعد الإحرام، ويجوز اضطراراً.

یازدهم: استعمال روغنی که در آن بوی خوش باشد - پس از محرم شدن - حرام است و نیز پیش از احرام اگر بویش تا احرام باقی بماند؛ همچنین استعمال روغنی که خوشبو نیست - پس از احرام بستن - در حال اختیار جایز نیست اما در حالت اضطرار جایز است.

الثاني عشر: وإزالة الشعر قليله وكثيرة، ومع الضرورة لا أثم.

دوازدهم: زدودن مو - چه کم باشد و چه زیاد - اما در حال ضرورت گناهی محسوب نمی‌شود.

الثالث عشر: وتغطية الرأس، ولو غطى رأسه ناسياً ألقى الغطاء واجباً، وجدد التلبية استحباباً، ويجوز ذلك للمرأة.

سیزدهم: پوشاندن سر. اگر از روی فراموشی سر خود را بیوشاند واجب است پوشش سرش را پایین بیندازد و مستحب است تلبیه (لیکها) را دوباره تکرار کند. پوشش سر برای زن جایز است.

الرابع عشر: والتظليل محرم عليه سائراً نهاراً، ولو اضطر لم يحرم. ولو زامل عليلاً أو امرأة اختص العليل والمرأة بجواز التظليل. ويجوز التظليل طائراً (من يركب الطائرة)، ويحرم في الطائرة إذا مرت بالمیقات ولا يضره التظليل.

چهاردهم: در روز زیر سایه متحرک رفتن بر مرد حرام است، اما اگر مجبور شده باشد حرام نیست. اگر همراه او یک مریض یا یک زن باشد فقط آن مریض یا زن می‌تواند زیر سایه متحرک حرکت کند. زیر سایه بودن در حال پرواز (برای کسی که سوار هواپیما شود) جایز است؛ اگر در حال عبور از میقات در هواپیما محرم شود، زیر سایه بودن مشکلی برایش ایجاد نمی‌کند.

الخامس عشر: وإخراج الدم إلا عند الضرورة، وكذا حك الجلد المفصي إلى إدمائه، وكذا في السواك المفصي إلى إدمائه.

پانزدهم: خارج کردن خون از بدن (مگر در صورت وجود ضرورت) و نیز خاراندن پوست به حدی که سبب شود خون از آن خارج شود و همچنین مسواک زدنی که باعث خونریزی شود جایز نیست.

السادس عشر: وقص الأظفار.

شانزدهم: گرفتن ناخن.

السابع عشر: وقطع الشجر والحشيش، إلا أن يثبت في ملكه.

هفدهم: قطع درختان و کندن علفها، مگر اینکه در ملک شخصی‌اش روییده باشد.

الثامن عشر: وتغسيل المحرم لو مات بالكافور.

هجدهم: غسل دادن مُحرِمی که در حال احرام مرده باشد با کافور.

التاسع عشر: ولبس السلاح لغير الضرورة.

نوزدهم: همراه داشتن سلاح در غیر از موارد ضروری.

العشرون: والارتماس، أي رمس تمام الرأس في الماء.

بیستم: فرورفتن تمام سر در آب (که به آن ارتماس می‌گویند).

الحادي والعشرون: وستر ظاهر القدم، فإن أضر جاز.

بیست و یکم: پوشاندن روی پا،⁽⁶⁾ اما اگر مجبور شود جایز است.

والمكروهات هي: الإحرام في الثياب المصبوغة بالسواد والعصفر وشبهه، ويتأكد في السواد، والنوم عليها، وفي الثياب الوسخة وإن كانت طاهرة، ولبس الثياب المعلمة، واستعمال الحنا للزينة، وكذا للمرأة ولو قبل الإحرام إذا قارنته، والنقاب للمرأة، ودخول الحمام، وتدليك الجسد فيه، وتلييته من يناديه، واستعمال الرياحين.

مكروهات:

احرام در لباس سیاه‌رنگ، زردرنگ و نظایر آن کراهت دارد و این کراهت برای رنگ سیاه بیشتر است؛ همچنین در مورد خوابیدن روی آن (لباس سیاه). پوشیدن لباس آلوده حتی اگر پاک (طاهر) باشد. پوشیدن لباس علامت‌دار. به کار بردن حنا برای زینت؛ و همچنین (استفاده از حنا) برای زن مکروه است حتی اگر پیش از احرام باشد، البته اگر به احرام متصل شود. نقاب و روبنده برای زن. ورود به حمام و کیسه کشیدن بدن در حمام. به کار بردن کلمه «لبیک» برای پاسخ دادن به صدای کسی که او را صدا بزند. استشمام گل‌ها و گیاهان خوشبو.

خاتمة :

خاتمه:

كل من دخل مكة وجب أن يكون محرماً، إلا من يكون دخوله بعد إحرامه قبل مضي شهر، أو يتكرر كالحطاب والحشاش. ومن دخلها لقتال جاز أن يدخل محلاً، كما دخل النبي (ص) عام الفتح وعليه المغفر.

هرکس که وارد مکه می‌شود باید محرم باشد، مگر کسی که پیش از گذشتن یک ماه از احرامش دوباره وارد مکه گردد، یا کسی که این کار را بارها تکرار می‌کند مثل هیزم‌شکن و خارگن. هرکس برای پیکار وارد آن شود می‌تواند به صورت مُجَل (بدون احرام) وارد گردد، همان‌طور که پیامبر (ص) در سال فتح مکه وارد آنجا شد درحالی‌که «کلاه خود» بر سر داشت.

وإِحرام المرأة كإِحرام الرجل إلا فيما استثنينا. ولو حضرت الميقات جاز لها أن تحرم ولو كانت حائضاً، لكن لا تصلي صلاة الإحرام. ولو تركت الإحرام ظناً أنه لا يجوز رجعت إلى الميقات وأنشأت الإحرام منه، ولو منعها مانع أحرمت من موضعها. ولو دخلت مكة خرجت إلى أدنى الحل، ولو منعها مانع أحرمت من مكة.

احرام زن مانند احرام مرد است، به جز آنچه برای زنان استثنا کردیم. اگر زن در میقات حاضر شد می‌تواند محرم شود - حتی اگر حائض باشد - اما نماز احرام نمی‌خواند. اگر زن حائض به گمان اینکه مجاز نیست، محرم نشود، باید به میقات بازگشته، از میقات محرم شود و اگر مانعی برایش به وجود آمد از همان جا که هست محرم می‌شود. اگر به مکه وارد شده باشد باید به نزدیک‌ترین مکان خروج از احرام برود و باز اگر مانعی برایش پیش آمد از همان مکه محرم می‌گردد.